دیدگاه

مصر جدید و توازن قوای خاورمیانه

علی سلیمانی

■ «محمد مرسی» توازن قوا در مصر را به نفع خود و «اخوان‌المسلمین» تغییر داد. این را از رویه جدید مرسی در برکناری فرماندهان نظامی می‌توان فهمید. گرچه هنوز نظامیان سهم بزرگی از قدرت مصر را در اختیار دارند، دستورات جدید مرسی را می‌توان گامی به سمت تغییر این موازنه دانست. مرسی در چند مرحله کوشش کرده بود این مهم را به نتیجه برساند اما موفق نشده بود و شورای نظامی با تصمیمات وی مخالفت کرده بود. تلاش وی برای بازگشایی پارلمان مصر با اکثریت اخوان و حذف متمم قانون اساسی از جمله آنها بود. اما در آخرین تلاش توانست بخشی از نظامیان را بازنشسته و متمم قانون اساسی را ملغی کند.

برای بسیاری این به معنای اجرای اهداف انقلاب مصر بوده و برای برخی دیگر تلاش در جهت دموکراتیزه کردن مصر و برای برخی دیگر این حرکت در جهت تحکیم پایه‌های تشکیل حکومتی اسلامی در مصر است. هنوز زود است که دریابیم مصر در کدام جهت گام برمی‌دارد اما اینجا جایی است که باید به انتظار نشست و دید که آیا مرسی هیچ‌گونه گردشی را در ساختار توازن قوای خاورمیانه به وجود خواهد آورد؟ ساختار موازنه سیاسی خاورمیانه حول مساله فلسطین و اسراییل و منازعه میان اعراب و اسراییل شکل گرفته است. مصر از زمان انور سادات و پس از آن مبارک حافظ بخشی از طرح صلح خاورمیانه بوده است. اما از زمان فروپاشی دولت «مبارک» اما و اگرهای پایداری این صلح و چینش ساختار سیاسی خاورمیانه به اوج خود رسید.

حضور مصر در نزدیکی دشت سینا، مرز غزه و بزرگراه رفح ارزش استراتژیک این کشور را دوچندان کرده و قرارداد «کمپ‌دیوید» نیز از این منظر دارای اهمیت فراوان است که در واقع این قرارداد نماد صلح خاورمیانه تلقی می‌شود، همان‌طور که مصر ناصری نماد این منازعه بود. به همین دلیل همراهی دولت مبارک با رژیم اسراییل همواره عامل مهمی در حفظ موازنه قدرت در این ساختار سیاسی بود. با ورود محمد مرسی در راس قدرت گمانه‌زنی اصلی بر سر این چالش قرار گرفت که در صورت شکست صلح کمپ دیوید تمام تلاش‌های چندساله صلح خاورمیانه از بین خواهد رفت.

به طور کلی می‌توان کارکرد دولت مصر را در این ساختار سیاسی یکی از پایه‌های حفظ صلح اعراب، فشار بر دولت ایران در این ساختار و حفظ امنیت صحرای سینا که ارتباط تنگاتنگی با امنیت مصر و اسراییل دارد، بیان کرد. این کارکردی بود که آمریکا را مجبور می‌کرد سالانه حدود دو میلیارد دلار به مصر و نظامیان آن کمک کند تا حضور خود را در دولت مصر نهادینه کند. از طرفی این کمک‌ها بود که توانست سال‌ها حضور نظامیان را در راس قدرت مصر تضمین کند و البته از طرفی دیگر همکاری مصر با شورای همکاری خلیج‌فارس برای کاهش قدرت ایران در منطقه خلیج‌فارس بوده است. از طرفی کمک‌های عربستان و قطر نیز از این زاویه قابل بررسی است که عربستان و قطر موافق حضور ایران در جمع یاران مرسی نیستند.

این نگرانی امروز با تحولات مصر بیشتر شده است که امکان تغییر کارکردهای سنتی مصر در منطقه خاورمیانه وجود دارد. محمد مرسی خود را به قرارداد کمپ دیوید پایبند نشان داده چرا که به این نتیجه رسیده است که عدم پایبندی به این صلح‌نامه تبعات گسترده‌ای برای دولت وی دارد. ولی موضع‌گیری‌های جدید وی در رابطه با حذف بخشی از نظامیان از دولت مصر برای متحدان غرب در منطقه نگرانی‌هایی را در پی داشته است. اخوان‌المسلمین از زمان تشکیل آن تاکنون در هیچ مقطع زمانی و مکانی دولتی را تشکیل نداده است. اخوان‌المسلمین و محمد مرسی سیاستمدارانی ناشناخته‌اند. آنچه از تحرکات آنها به دست می‌آید دارای تکوینی تاریخی نیست. بنابراین تحلیل رفتار آنها برای تمام گروه‌های سیاسی دشوار است.

محمد مرسی اعلام کرده که میهمان ایران در اجلاس عدم تعهد نیز خواهد بود. این در حالی است که این سفر دیپلماتیک این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند که آینده روابط ایران با مصر چگونه خواهد بود؟ ایران و مصر هر دو از بزرگ‌ترین و قوی‌ترین دولت‌های خاورمیانه‌اند هر دو در گلوگاه‌های استراتژیک منطقه چون تنگه هرمز، کانال سوئز و مرزهای مشترک مصر با اسراییل حضور دارند. نزدیکی این دو دولت می‌تواند چارچوب توازن قدرت را در منطقه متحول کرده و آثاری عمیق در روابط میان دولت‌های منطقه داشته باشد. نظم سیاسی جدید مصر هنوز برای دولت‌های منطقه شفاف نشده است. نظم جدید مرسی بر دو بازو استوار است. بازوی اول جامعه مذهبی مصر است که گمانه‌های تشکیل یک دولت مذهبی با جهت‌گیری‌های بین‌المللی فاصله‌دار از برخی متحدان غرب مانند اسراییل را تقویت می‌کند. بازوی دوم اما حضور نظامیان در دولت مصر به مدد چالش‌های اقتصادی مصر با کمک‌های آمریکاست که این موضع را تقویت می‌کند که مصر همواره مجبور است کارکرد ۳۰ساله خود در منطقه را ادامه داده و موازنه قوا را تقریبا به شکل کنونی ادامه دهد. ایران در حالی میزبان اجلاس عدم تعهد است که به گفته مسوولان برگزاری نبوده است . دراین مراسم بیش از ۳۵ نفر از سران کشورهای عدم تعهد به همراه حدود شش هزار نفر از هیات‌های خارجی اعم از هیات‌های دیپلماتیک و خبرنگاران رسانه‌های خارجی در این اجلاس حضور دارند.

«وائل غنیم» چهره شاخص انقلاب مصر:

مردم ما دیگر نظام تک‌حزبی را نمی‌پذیرند

ترجمه: محمدعلی عسگری

عکس: Getty Images

وائل غنیم مدیر بازاریابی شرکت «گوگل» در خاورمیانه و موسس صفحه «همه ما خالد سعید هستیم» (از قربانیان انقلاب مصر) در «فیس‌بوک» بود. کسی که به دلیل همین ابتکارات خود توانست صدای انقلاب مردم مصر را به گوش نسل‌های تازه رسانده و نخستین قرارها برای برگزاری تظاهرات را بگذارد. غنیم سیاستمدار نیست و هنوز هم به عنوان یک مدیر منطقه‌ای شرکت گوگل کار می‌کند. اما حوادث انقلاب اخیر مصر از او یک چهره سیاسی ساخت. به طوری که هنوز هم روزنامه‌ها به سراغ او می‌روند تا از دیدگاه‌هایش پیرامون تحولات جاری کشورشان بپرسند. وی می‌گوید انقلاب در مصر مادام که مردم به خواسته‌هایشان نرسیده باشند ادامه خواهد داشت. او هرچند با کسانی مخالف بود که در روز ۲۴ آگوست (سوم شهریور) خواستار برگزاری یک تظاهرات علیه اخوان‌المسلمین بودند اما در عین حال از نیروهای امنیتی و پلیس خواست به حق آزادی بیان مردم احترام بگذارند و از تظاهرات‌کنندگان حمایت کنند. وائل سعید عباس غنیم (متولد۲۳ دسامبر ۱۹۸۰ قاهره)، ۳۲ ساله، در یک خانواده متوسط به دنیا آمد و تا ۱۳سالگی در شهر «ابها»ی عربستان سعودی زندگی کرد. سپس به قاهره بازگشت و در حال حاضر در امارات متحده عربی ساکن است. او با یک زن مسلمان آمریکایی ازدواج کرده و دو فرزند با نام‌های اسراء و آدم دارد.

آنچه را می‌خوانید متن گفت‌وگوی روزنامه مصری «الیوم» با این فعال مصری است:

تصمیمات اخیر محمد مرسی رییس‌جمهور مصر و بازنشسته کردن ژنرال طنطاوی و سرلشکر عنان و لغو اعلامیه متمم قانون اساسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این برکناری‌ها و تعیین‌ها که در فرماندهی نیروهای مسلح اتفاق افتاد در درجه اول موجب تحکیم اصول دولت مدنی می‌شود که به دست منتخبان مردم خواهد بود. در این رابطه رییس‌جمهور تمام مسوولیت‌های اجرایی از جمله فرماندهی نیروهای مسلح را بر عهده دارد کمااینکه سطر جدیدی را در تاریخ انقلاب مصر می‌نگارد و آن اینکه حاکمیت دوباره به مردم مصر و کسانی انتقال می‌یابد که از صندوق‌های رای خارج می‌شوند. همچنین لغو متمم قانون اساسی گام دیگری در مسیری درست به حساب می‌آید زیرا بعد از یک سال و نیم، دوره انتقالی به دخالت نهادهای نظامی در زندگی سیاسی جامعه پایان می‌دهد. امیدوارم این تصمیمات به صورتی مثبت اثر خود را بر نهادهای نظامی گذاشته و همگان را تشویق کند تا به وظیفه اصلی خود که دفاع از مرزهای کشور و سلامت ارضی آن است عمل کنند.

درباره حوادث مربوط به صحرای سینا و نحوه برخورد ریاست‌جمهوری و ارتش با این حوادث چه می‌گویید؟

آنچه در سینا اتفاق افتاد یک جنایت بود که به سادگی نمی‌توان از آن گذشت. صرف‌نظر از برداشت‌های مختلف و تفسیرهای متنوع که درباره این حوادث وجود دارد باید گفت در تامین امنیت مرزهای مصر آشکارا کوتاهی شده است. همین کوتاهی به گروهی اجازه داد تا از موضوع به شکلی مجرمانه سوءاستفاده کنند. معتقدم تصمیم به برکناری و بازنشسته کردن تعدادی از مقامات نظامی مهم است اما مهم‌تر این است که اسلحه و تجهیزات مناسب در اختیار سربازان و افسرانی قرار داده شود که در مرزها زندگی می‌کنند و ماموریت‌شان حفظ این مرزهاست. اصلاح خلأهای اطلاعاتی و امنیتی که بر همگان آشکار شد از جمله این کوتاهی‌هاست. جالب اینکه اسراییل چند روز قبل از وقوع این حادثه آن را خبر داده بود. نقش الازهر نیز در این رابطه مهم است و می‌تواند با نشر اسلام و فرهنگ اعتدال در صحرای سینا جلو رشد گروه‌های افراط‌گرا را بگیرد.

از همه اینها مهم‌تر نگرش طولانی‌مدت به صحرای سیناست و باید این منطقه را در اولویت برنامه‌های توسعه کشور قرار داد. سازندگی مناطق مرزی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای ایجاد امنیت در آنجاست. ما شنیده‌ایم که قبلا دراین‌باره طرح‌ها و برنامه‌هایی تهیه شده است. حال باید اینها را جدی گرفت تا دیگر چنین فجایعی تکرار نشود.

شما یکی از کسانی بودید که در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری از محمد مرسی در برابر احمد شفیق دفاع کردید. پس چرا الان از او انتقاد می‌کنید؟

من طرفدار مطلق یا مخالف مطلق کسی نبوده و نیستم. برخی احساس می‌کنند مخالفت به این است که خطاها و نقاط منفی را نشان دهی و بر آنها تمرکز کنی و در عوض نقاط مثبت و اقدامات درست را نادیده بگیری. این به نظر من درست نیست. من در حقیقت از مرسی در طول انتخابات پشتیبانی نکردم. بلکه فقط به او رای دادم زیرا به اعتقاد من و میلیون‌ها مصری دیگر ما نمی‌خواستیم کسی را انتخاب کنیم که آشکارا با انقلاب دشمنی می‌کند. امروزه پس از انتخابات، مرسی رییس‌جمهور منتخب مردم مصر است. کسی است که از صندوق‌های رای درآمد. بنابراین ما باید به او احترام بگذاریم و با او همکاری کنیم و در راه تحقق اهداف انقلاب او را یاری دهیم و هروقت هم که راه را به غلط رفت از او حساب‌کشی کنیم.

نقاط منفی و مثبت دوران او چیست و چگونه می‌توان اینها را تصحیح کرد؟

به اعتقاد من دوران کوتاهی که تاکنون او عهده‌دار وظیفه ریاست‌جمهوری بوده است برای داوری دراین‌باره کافی نیست. اما مهم این است که رییس‌جمهور تلاش کند صفوف مردم را یکپارچه نگه دارد. ایجاد قطب‌بندی در جامعه موجب پیشرفت کشور نمی‌شود.

مساله دیگر شفافیت و حقیقت‌گویی در رابطه با مردم است. رژیم سابق نیازی به گفتن حقیقت به مردم نداشت و با سرکوب‌های امنیتی وحشتناک آنها را ساکت می‌کرد. این سرکوب‌ها دیگر غیرعملی و «غیرعقلانی» است و این سیاست را دیگر نمی‌توان ادامه داد. رهبران کشور باید گام‌های دیگری بردارند. ما سال‌های گذشته استفاده از راهکارهای اصلاح‌طلبانه و شکلی و ظاهری را آزموده‌ایم. این راهکارها به مثابه یک سری مسکن است که درد را تخفیف می‌دهد ولی درمان نمی‌کند. ایجاد تغییرات در کشور نیازمند اقداماتی شجاعانه است. شاید در ابتدا بعضی از این‌گونه اقدامات را افکار عمومی جامعه نپذیرد اما با مرور زمان میوه‌های چنین تصمیماتی آشکار خواهد شد. باید به جوانان بسیار توجه کرد. رهبران جوان باید در نهادهای دولتی حضور داشته باشند و بخشی از مسوولیت‌ها را برعهده گیرند.

چرا جوانان از صحنه انقلاب مصر حذف شدند؟ اشتباه آنها در چه بود؟

مخالفت‌ها در مصر قبل از انقلاب از طریق رسانه‌ها و شرکت در تظاهرات شکل می‌گرفت و جوانان به صورت سازمانی حضوری قوی در صحنه نداشتند تا به آنها اجازه ورود به انتخابات داده شود. در حقیقت یکی از خطاهایی را که ما جوانان مرتکب شدیم این بود که سعی نکردیم در صحنه عملی خودمان را سازماندهی کنیم تا این اعتمادی که میلیون‌ها مصری به جوانان داشتند، بتواند منجر به تشکیل نهادهایی سیاسی شود که راه را برای مشارکت جوانان در قدرت مهیا کند.

دومین اشتباه ما فاصله داشتن بسیاری از جوانان و فعالان سیاسی از مسایل روزمره مردم و تاکید بر مسایلی با ماهیت صرفا سیاسی بود. یکی دیگر اینکه تجربه کافی نداشتیم و همین مساله در بسیاری از مواقع منجر به واکنش‌هایی منفی از سوی مردم می‌شد که در واقع به خاطر رفتارهای منفی برخی از جوانان همراه انقلاب بود.

شما با این مساله موافق هستید که به محض تدوین قانون اساسی جدید، یک انتخابات دوباره ریاست‌جمهوری برگزار شود یا اینکه رییس‌جمهور فعلی به کارش تا آخر ادامه دهد؟

پیش از اینکه نظر خودم را بگویم باید بدانیم آیا قانون جدید اختیارات رییس‌جمهور کنونی را تغییر می‌دهد یا خیر و این تغییرات تا چه حدی است؟ این بهترین شیوه برای پاسخ به این سوال است و باید صبر کرد تا ماهیت قانون اساسی جدید روشن شود.

نظر شما درباره کمیته تدوین قانون اساسی مصر و بحث‌هایی که پیرامون آن مطرح شده، چیست؟

من در این کمیته شرکت نکردم و با ترکیب آن در دور اول و دوم موافق نبودم. معیارهایی که بر اساس آن افراد عضو این کمیته انتخاب شدند شایسته مصر نبود. با این حال من کارهای آنها را پیگیری می‌کنم زیرا قانون اساسی بنیاد آینده کشور ما را می‌سازد. رسانه‌ها معمولا گفت‌وگوهای اولیه یا پیشنهادهایی را که هنوز به بحث گذاشته نشده منتشر می‌کنند. به هر حال باید صبر کرد تا ببینیم که این متون در نهایت چه سرانجامی پیدا می‌کند. پیشنهاد من این است که تصویب مواد این قانون در داخل کمیته با اکثریت مطلق (۶۷درصد) باشد نه مانند آنچه که الان هست یعنی (۵۷درصد). من خواندم‌ام که در دولت‌های دموکراتیک چگونه قانون اساسی را تنظیم می‌کنند و بیشتر سعی می‌شود که با یک اکثریت مطلق تدوین شود. این منطقی نیست قانونی تصویب شود که در خود آن کمیته نتوانسته است ۴۳درصد از آرا را به دست آورد.

آیا حزب قانون اساسی را که البرادعی اعلام کرد، می‌تواند یک نوع توازن سیاسی در مقابله با احزاب اسلامگرا به وجود آورد؟ آیا ممکن است حزب آزادی و عدالت (شاخه سیاسی جنبش اخوان‌المسلمین) به یک حزب حاکم جدید تبدیل شود؟

من فعالیت‌های حزب قانون اساسی را دایم تعقیب می‌کنم و برای آنها آرزوی موفقیت دارم. جوانان به آن اقبال خوبی نشان می‌دهند. ایجاد یک توازن سیاسی در مصر لازم است زیرا نوعی رقابت پسندیده را به وجود می‌آورد که در خدمت شهروندان خواهد بود. برعکس در انحصار گرفتن قدرت حتی به حزبی که دست به چنین کاری بزند آسیب وارد می‌کند. امیدواریم که بیشتر رقابت بر سر برنامه‌ها و افکار و راهکارها باشد. در مورد حزب آزادی و عدالت هم باید گفت به اعتقاد من ملت مصر که در گذشته ضرر و زیان تک‌حزبی بودن را چشیده است دیگر تن به تکرار این اشتباه نخواهد داد.

پس از انتخابات، مرسی رییس‌جمهور منتخب مردم مصر است. کسی است که از صندوق‌های رای درآمد. بنابراین ما باید به او احترام بگذاریم و با او همکاری کنیم و در راه تحقق اهداف انقلاب او را یاری دهیم و هروقت هم که راه را به غلط رفت از او حساب‌کشی کنیم

برگردیم به دغدغه‌های مردم؛ درباره بحران قطعی برق و آب و اظهارات رییس‌جمهور جدید و خشم مردم از حرف‌های او.

بحران برق در اثر کوتاهی سال‌های گذشته به وجود آمد که زیرساخت‌های متناسب با نیازهای مصرفی جامعه شکل نگرفته بود. همچنین سهل‌انگاری شدیدی درمورد نحوه مصرف برق وجود دارد و بخشی از آن به هدر می‌رود. به‌خصوص در نهادهای دولتی. شهروندان نیز آگاهی خوبی درباره این مسایل ندارند و نمی‌دانند چگونه باید بهینه مصرف کنند. این سیاستی است که در اغلب کشورهای جهان وجود دارد و تنها منحصر به مصر هم نیست.

کما اینکه نحوه برخورد با این بحران از ابتدا هم موفق نبود. چون اول آن را نادیده گرفتند و قضیه پیچیده‌تر شد و به تعطیلی شبکه مترو و بورس و بعضی بیمارستان‌ها رسید. جالب اینکه ۳۰درصد از بیمارستان‌ها مولد برق ندارند. اخیرا نخست‌وزیر یک کنفرانس مطبوعاتی داشت که برای نخستین بار درکشور درباره این مسایل به صورتی شفاف صحبت شد. باید دید که در عمل این حرف‌ها به چه سرانجامی می‌رسد.

آیا شما هم معتقدید که طرف سومی یا یک دست‌هایی پنهان در این بحران‌ها نقش دارد یا صرفا کم‌کاری مقامات مسوول از رییس‌جمهور گرفته تا بقیه است و نمی‌توانند راه‌حل‌های جدیدی ارایه دهند؟

البته کسانی هستند که سعی می‌کنند یک چهره از ضد انقلاب نشان دهند که متحد عمل می‌کند. اما به نظر من این بیشتر به همان تئوری توهم توطئه شبیه است و واقعیت ندارد. متاسفانه در جامعه مصر یک حالت عدم اعتماد وجود دارد که به برخی فرصت می‌دهد تا برداشت‌های خاص خود را ارایه دهند و بگویند اینها توطئه‌هایی است که از سوی کسانی طراحی می‌شود و به اجرا درمی‌آید. به نظر من این دست پنهانی که گفته می‌شود بیشتر مواقع برای توجیه سهل‌انگاری‌ها و فقدان آگاهی و احساس مسوولیت ملی است.

در مورد اینکه می‌گویند دولت دارد اخوانیزه می‌شود چه می‌گویی و چگونه می‌توان از یک دولت مدنی حمایت کرد؟

مصر یک کشور با ۸۰میلیون جمعیت است؛ ملتی با ریشه‌های تاریخی و تنوع زیاد که بسیار فراتر از یک گروه یا یک حزب است و نمی‌توان برآن غلبه کرد. ما دیدیم که چگونه رژیم گذشته سعی کرد با سرکوب‌های امنیتی و تزویر رسانه‌ای اراده ملت را تحت‌تاثیر قرار دهد اما همه این ترفندها وقتی مصری‌ها به خیابان ریختند متلاشی شد. طبعا درسی را که باید همه گروه‌ها و جریان‌ها بگیرند این است که بدانند توافق جمعی یک استراتژی طویل‌المدت است نه یک تاکتیک موقتی. باید قانون اساسی کشور تنظیم و درهمه قوانین اصل شهروندی و برابری بین افراد جامعه درنظر گرفته شود. هرکس با این خواسته‌ها مخالفت کند در درازمدت ضرر کرده است.

به اعتقاد من اخوان‌المسلمین به عنوان یک گروه باید در اسرع وقت، خود را با چارچوب‌های قانونی کشور تطبیق دهد. حتی منابع درآمدهای این گروه و نحوه هزینه کردن آن باید تحت کنترل نهادهای بازرسی درآید. درهمه دنیا این مرسوم است. همچنین باید عمل دعوت‌گرایانه و دینی از عمل سیاسی تفکیک شود و این چیزی است که خود اخوان قول آن را داده‌اند. اما هنوز ما می‌بینیم اکثر دستورات گروه از سوی یک دفتر مرکزی تحت عنوان دفتر «ارشاد» صادر می‌شود حال آنکه مطابق قانون مصر این دفتر حق دخالت در کار حزب آزادی و عدالت را ندارد.

نظرت درباره فراخوانی که برای سرنگونی اخوان داده شد، چیست؟

من با این فکر موافق نیستم. هرچند به آزادی بیان همه مصری‌ها مادام که منجر به تخریب یا تجاوز به حقوق دیگران نشده باشد احترام می‌گذارم. علت مخالفت من بااین‌گونه تظاهرات این است که متوجه یک فرد خاص از جمله محمد مرسی رییس‌جمهور است.

به اعتقاد من کسی که با انتخابات آمده با تظاهرات نمی‌رود. تفاوت‌های عمده‌ای بین مساله مرسی و حسنی مبارک وجود دارد. او ۳۰ سال با انتخابات مسخره‌ای که اکثر مصری‌ها در آن شرکتی نداشتند حکومت کرد. اما در انتخابات مربوط به محمد مرسی دست‌کم ۲۵میلیون مصری مشارکت داشتند. بااین حال دستگاه‌های دولتی به‌خصوص نهاد ریاست‌جمهوری باید این فراخوان‌ها را نادیده نگیرد. نباید تلاش کرد شرکت‌کنندگان در چنین تظاهراتی را ترساند. درعوض باید از آنها حمایت و امنیت‌شان را تامین کرد. باید از حق آنها در داشتن آزادی بیان به عنوان شهروندان مصری دفاع کرد.

یک سال و نیم از پیروزی انقلاب مصر می‌گذرد و همچنان گفته می‌شود انقلاب استمرار دارد. ارزیابی شما چیست؟

انقلاب که فقط میدان و تظاهرات و اعتصاب نیست. کسی که یک انقلاب را به این چیزها تقلیل دهد معنای واقعی آن را از بین برده است. انقلاب یک حادثه نیست بلکه یک روند تغییر است که سال‌ها طول خواهد کشید تا به نتیجه برسد. از این رو من هم باور دارم که انقلاب استمرار دارد و مادام که یک شهروند مصری حقوقی را طلب داشته باشد و از نظر عدالت اجتماعی و آزادی و کرامت انسانی کمبودهایی داشته باشد این انقلاب هم ادامه خواهد داشت. راهی طولانی پیش روی ماست که مملو از مشکلات خواهد بود. ما می‌خواهیم قدرت ادامه این راه را داشته باشیم و نسبت به آینده خوش‌بین هستیم.

به نظر شما کدام یک از اهداف انقلاب تحقق پیدا کرده است؟

مهم‌ترین مساله‌ای که انقلاب آن را تحقق بخشید در درجه اول شکستن دیوار ترس در بین مصری‌ها بود. دیکتاتوری و فساد تنها در کشورهایی به وجود می‌آید که در آنها ملت‌ها نتوانند از حاکمان خود بازخواست کنند. در جوامعی این پدیده‌ها شکل می‌گیرد که از مشارکت واقعی مردم خبری نباشد. نسل من و نسل پدران من کسانی نبودند که بتوانند حاکمان‌شان را خود انتخاب کنند. پس از انقلاب ملت دیگر مایل است رای خودش را بدهد و در سیاست مشارکت داشته باشد. نمی‌توان این تغییرات را دست‌کم گرفت حتی اگر بعضی آن را کم‌اثر بدانند. به نظر من داوری درباره انقلاب و نتایج آن به چند سال دیگر احتیاج دارد.

تلاش‌های شما در موسسه‌تان به کجا رسید؟

ما نهادی تاسیس کردیم به نام «آکادمی آزادی‌بخشی» که یک پروژه آموزشی با هدف فراهم آوردن مواد آموزشی مفید برای دانشجویان دختر و پسر است؛ آموزش‌هایی که بتواند مهارت‌های اندیشیدن و درک را در آنها رشد دهد. از همان لحظات نخست ما هدفی بلند را در نظر داشتیم و آن تهیه مواد آموزشی بود که به یک دانشجو یاد بدهد به جای اینکه حفظ کند «بفهمد.»

آکادمی ما چند ماه است که کارش را شروع کرده و تا به حال موفق شده است یک گروه کاری حرفه‌ای را تشکیل دهد. همچنین ۳۰ ویدیو آموزشی روی سایت ما قرار داده شده است. در همین دوره کوتاه استفاده از این ویدیوها بیش از نیم‌میلیون بیننده داشته است.

انتظارات شما در آینده چیست؟

مصر رو به بهبودی می‌رود و زمان دیگر به گذشته برنمی‌گردد حتی اگر ما با چالش‌ها یا نزاع‌های متعدد مواجه شویم. کسانی ممکن است بخواهند دیدگاه خودشان را تحمیل کنند یا به نام دین و با زور اسلحه آزادی‌های مردم را محدود کرده و بخواهند دوباره دیکتاتوری را برقرار کنند. اما جهان درحال تغییر است و به‌میلیون‌ها نفر امکان آن را داده است که برعکس گذشته افکار و اندیشه‌های خود را منتشر کنند. عقلانیت دایناسوری دیکتاتورها درحال انقراض است.

یکی دیگر از دلایل خوش‌بینی من جوانان مصری است. من پیش از انقلاب به حکم شغلم در موسسه گوگل روی برنامه‌ای کار می‌کردم که هدفش گسترش اطلاعات عربی روی سایت ویکی‌پدیا بود. ویکی‌پدیا یکی از ۱۰سایت معروف روی صفحات اینترنت است که به صورت داوطلبانه اطلاعاتی را در اختیار بازدیدکنندگانش می‌گذارد. درآن موقع من فهمیدم بسیاری از مراجعه‌کنندگان عرب از مصر هستند. یکی از آنها جوانی بود درسال دوم دانشکده مهندسی دانشگاه اسکندریه. او به صورت داوطلبانه داشت کاری را نه تنها در ویکی‌پدیای عربی بلکه در ویکی‌پدیای جهانی انجام می‌داد. وقتی من از او خواستم که برای جلسه‌ای به قاهره بیاید عذر خواست. بعد فهمیدم دلیلش این بود که نمی‌توانسته هزینه قطار از اسکندریه تا قاهره را بپردازد.

در مصر از این‌گونه جوانان بسیار زیاد هستند و هرکدام برای خود آرزوهایی دارند. این جوانان هستند که می‌توانند تغییرات را به وجود آورده یا با چالش‌ها مبارزه کنند. به دلیل اینها و همت‌شان بود که انقلاب مصر شکل گرفت و ان‌شاءالله با تلاش اینها تغییرات مطلوبی در مصر رخ خواهد داد.

منبع: المصری الیوم

دور و نزدیک

سرگردان میان تعلق و تعهد

گلناز فخاری

■ «من رییس‌جمهور همه ملت مصر هستم.» زمان زیادی از ادای این جمله توسط محمد مرسی، رییس‌جمهوری مصر نمی‌گذرد. مرسی در روز ۲۴ ژوئن به عنوان رییس‌جمهوری منتخب مصر سوگند یاد کرد و قول داد که از حق تمام ملت مصر حمایت کند. تنها دو ماه از این سخنرانی تاریخی می‌گذرد و حالا مرسی باید از خود بپرسد که از میان تعهدات یک رییس‌جمهوری مردمی و تعلقات حزبی به «اخوان‌المسلمین» کدام یک را انتخاب خواهد کرد. «هانی نسیره»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر العربیه، می‌گوید: «هنگامی که مسایل سیاسی برپایه تعصبات عوام‌پسندانه استوار است، باید برای یافتن حقیقت به تاریخ متوسل شویم.» از نظر او، حقیقت سیاسی جامعه مصر را باید در اتفاقات اخیر این کشور جست. به نوشته «سی‌ان‌ان» یکی از نشانه‌های تثبیت قدرت توسط «مرسی»، بازنشستگی اجباری وزیر دفاع و رییس ستاد ارتش در تاریخ ۱۲ آگوست است. برخی معتقدند مرسی با این تدبیر، قدرتی که نظامیان پس از سقوط مبارک به دست گرفتند را از آنها بازستاند. کسی فکر نمی‌کرد که « مرسی»، رهبر سابق «اخوان‌المسلمین»، به این سرعت و جسارت، فرش نفیس قدرت را از زیر پای «محمد طنطاوی» و ژنرال «سامی عنان»، دو عضو ارشد نیروهای مسلح مصر، بیرون بکشد اما مرسی ثابت کرد که بر حرف خود که «هیچ نهادی از دولت بالاتر نیست» پایبند است. بالاتر از آن، مرسی با این کار به خواسته دیرینه انقلابیون که همانا پایان حکومت نظامیان بوده است، پاسخ مثبت داد. مرسی خود توضیح داده است که با احقاق آرزوهای انقلاب، در راستای مصلحت کشور عمل کرده است. مخالفان او معتقدند که سیاست‌های او به نوعی قدرت را در انحصار رییس‌جمهور قرار داده است؛ مساله‌ای که برخی مدعی هستند شاید جامعه مصر را باری دیگر به سوی حکومتی استبدادی سوق دهد. انقلابیون مصر، که در سال ۲۰۱۱ موفق شدند حکومت مبارک را برکنار کنند، خواهان محاکمه مجدد سران رژیم سابق هستند. در میان این سران اسامی «طنطاوی» و «سامی عنان» نیز به چشم می‌خورد اما برخی می‌گویند عملکرد «مرسی» نه تنها برخلاف خواسته انقلابیون بود، بلکه با برگزاری مراسم بزرگداشت و اعطای مدال به این دو نظامی راه را برای انتقادهای بیشتر هموار کرد. «طنطاوی» مفتخر به اخذ «دستور نیل»، مهم‌ترین مدال کشوری شد. بسیاری باور دارند این طرز برخورد «مرسی» با کسانی که متهم به کشتار مصریان در انقلاب شده‌اند، بخشی از «سناریوی خروج امن» این افراد از صحنه سیاسی کشور است. برخی مخالفان هم، حزب «اخوان» را متهم به مصالحه با نظامیان می‌کنند و معتقدند که آنها برای دست یافتن به قدرت، از روح انقلاب صرف‌نظر کرده‌اند. از دیگر مسایلی که باعث شده است برخی به سیاست‌های دولت جدید مصر نگاهی انتقادی داشته باشند، منسوخ شدن اعلامیه متمم قانون اساسی توسط «مرسی» است. این متمم توسط دادگاه عالی نیروهای مسلح صادر شده بود و «مرسی» با اعلام اینکه او پیروز اولین دور انتخابات آزاد مصر و منتخب مردم است، این اعلامیه را کنار گذاشت. حالا مخالفان بی‌صبرانه منتظرند تا «مرسی» با پیشگیری سیاست‌های مردمی به آنها ثابت کند که تعلق خاطرش هم‌اکنون به ملت مصر است و نه حزب اخوان. اما آنچه که شاید مخالفان و هواداران «مرسی» را به یکدیگر پیوند می‌دهد، نگرانی هر دو گروه از وضعیت رسانه‌ای کشور است. مصریان امیدوار بودند که پس از سقوط رژیم «مبارک» دارای مطبوعات مستقل و آزادی شوند که موازی با رسانه ملی به مردم خدمت کند اما امید آنها پس از آنکه دولت جدید برای روزنامه‌های دولتی سردبیرهای جدید انتخاب کرد و تعدادی روزنامه‌نگار به جرم انتقاد از دولت به زندان افتادند به یأس تبدیل شد. به نقل از «نسیره»، بسیاری از سازمان‌های مدنی مصر این عملکرد را محکوم کرده و معتقدند با این کار آزادی بیان به خطر خواهد افتاد. در این میان «مرسی» برای نشان دادن حسن‌نیت خود و برای اینکه نشان دهد از ترویج رسانه‌های مستقل جلوگیری نخواهد کرد، از اختیار قانونگذاری خود استفاده کرد و قانون بازداشت این روزنامه‌نگاران تا زمان دادگاه را منسوخ ساخت. «اسلام عفیفی»، سردبیر روزنامه «الدستور»، اولین کسی است که شامل این قانون جدید شد. طبق نظرسنجی‌ای که وب‌سایت «گال آپ» در مصر انجام داده است، به نظر می‌رسد اولویت‌های گروه‌های مختلف در این کشور حول چند محور مشخص می‌چرخد: رشد اقتصادی و امنیت اجتماعی. مسایل اجتماعی گوناگونی که توسط «اخوان‌المسلمین» مطرح می‌شود، نمی‌تواند همه مصریان را راضی کند. آنها مصمم هستند به خواسته‌هایشان برسند و انتظار دارند دولت مسیر را برای آنها هموار کند. حالا تظاهرات در خیابان‌های قاهره تبدیل به هنجاری معمول شده است. مردم برای مطرح کردن مسایل مهم، چه با این مسایل موافق باشند و چه مخالف، به کوچه و خیابان می‌ریزند. تظاهرات جمعه گذشته در قاهره در راستای بازخوانی پاره‌ای از این مسایل بود. مردم در اعتراض به دستگیری روزنامه‌نگاران و بازداشت آنها به خیابان آمدند و خواستار تجدیدنظر در محاکمه آنها شدند. بازتاب این خبر در بسیاری از رسانه‌های جهان به نگرانی از دوران جدیدی از اغتشاش در مصر تبدیل شد اما حرکت زیرکانه «مرسی» در نقض قانون بازداشت و قول او مبنی بر آماده کردن نسخه اولیه قانون اساسی جدید تا اواخر ماه مهر، نگرانی‌ها را تا حدودی کاهش داد. «هشام قندیل»، نخست‌وزیر مصر، اعلام کرده است که پس از آماده‌سازی قانون اساسی جدید، آن را برای یک رفراندوم ملی، تسلیم ملت خواهند کرد. «ونگ جنگیلی»، تحلیلگر سیاسی «چاینا دیلی»، معتقد است که آینده سیاسی مصر دستخوش پستی و بلندی‌های بسیاری است. رقابت میان گروه‌های مختلف سیاسی باعث خواهد شد انتظار مردم برای رسیدن به یک جامعه آرام، طولانی شود.